

## **The Role of Sogdians in the Spread of Buddhism in Southern China**

Sipidiḥ Ṭāhiri<sup>\*</sup>

(Received: 2019-12-11; Accepted: 2020-03-12)

### **Abstract**

The purpose of this study is to investigate the role of *Sogdian* Buddhist monks in the spread of Buddhism in southern China. *Sogdians* played an important role in promoting Buddhism because they knew Chinese and Hindi, and they were not as merchants who only carried goods but also they were carriers of religions such as Manichaeism, Zoroastrianism, Christianity, and Buddhism. Based on available sources, such as biographies of *Sogdian* monks, tomb inscriptions, and *Sogdian* Buddhist manuscripts in *Turfan* and *Dunhuang*, this study shows how they, in their role as religious messengers, spread Buddhism in southern China during the seventh to tenth centuries AD.

**Keywords:** Sogdian Buddhists, Sogdian Monks, Buddhism, China, Silk Road.

---

\* Master's Graduate in Ancient Culture and Languages of Iran, Shahīd Bihishfī University, Tehran, Iran, spandarmad20@gmail.com.

## نقش سغدیان در گسترش آیین بودا در جنوب چین<sup>۱</sup>

سپیده طاهری\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲]

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش راهبان بودایی سغدی تبار در گسترش و پراکندن آیین بودا در جنوب چین است. سغدیان به سبب چیرگی‌شان به زبان چینی و هندی، و از سوی دیگر همچون بازرگانانی که فقط انتقال دهندگان کالا نبودند، بلکه ناقلان کیش‌هایی چون مانویت، زرتشتی، مسیحیت و آیین بودا نیز به شمار می‌رفتند، نقش مهمی در ترویج آیین بودا داشتند. این پژوهش بر پایه بن‌مایه‌های (منابع) موجود، مانند شرح حال راهبان سغدی، سنگ‌نوشته‌های مقبره‌ها و دست‌نوشته‌های سغدی بودایی در تورفان و دون‌هوانگ، نشان می‌دهد که اینان در نقش پیام‌رسانان دینی چگونه آیین بودا را در جنوب چین در درازنای سده‌های هفتم تا دهم میلادی گسترش دادند.

**کلیدواژه‌ها:** بوداییان سغدی، راهبان سغدی، آیین بودا، چین، جاده ابریشم.

---

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
spandarmad20@gmail.com

## دیباچه

سغدیان، از اقوام ایرانی آسیای مرکزی بودند که در کرانه‌های سمرقند و دره زرافشان در سرزمین ماوراءالنهر میان دو رود آمودریا (عربی: جیحون؛ یونانی: Oxus) و سیردریا (عربی: سیحون؛ یونانی: Jaxarte) در جنوب ازبکستان و غرب تاجیکستان کنونی می‌زیستند. آنها آثار نوشتاری‌شان را به چهار خط سغدی، مانوی، سریانی و اندکی نیز به براهمی نگاشتند (La Vallée Poussin, 1912: 629-45). در میان این آثار با درون‌مایه دینی، سهم بیشتر از آن ادبیات سغدی بودایی (حدود قرن ۸) است که در واحه تورفان در ترکستان چین و دون‌هوانگ (دون‌هوان، دون‌خوان: Dunhuang)، در شمال جاده تجاری حوزه تاریم (Tarim) و مقداری نیز در کوچا (Kucha)، خُنْتَن (Khotan) و شورچق (Shorchuq) که مهاجرنشین‌های سغدی بودند، کشف شد. گرچه سغدیان نقش برجسته‌ای در تاریخ جهان و انتقال کیش‌هایی چون مانویت، آیین بودا و مسیحیت نستوری داشته‌اند اما در سرزمین اصلی سغد هیچ‌گونه دست‌نوشته‌ای از این کیش‌ها یافت نشده است. در اسناد کوه مُغ، که فقط دست‌نوشته‌های یافت‌شده در خود سرزمین سغد است، هیچ‌گونه گواهی دال بر بوداباوری دیده نمی‌شود. با این حال، یافته‌های باستان‌شناسی (بیشتر در پنجیکند) و مدارک چینی، مانند گزارش‌های سیاحان چینی، نشان می‌دهد که آیین بودا در سرزمین سغد پیروانی هرچند اندک داشته است.

در این پژوهش می‌کوشیم نشان دهیم چه انگیزه‌هایی مانع گسترش آیین بودا در سرزمین سغد بوده است. آیا دین مزدیسنا سغدی در این ناشکوفایی تأثیر گذاشته یا انگیزه‌های دیگری در کار بوده است؟ سپس به این پرسش اساسی خواهیم پرداخت که سغدیانی طی سده‌های هفتم تا دهم میلادی چگونه و از چه راهی باعث شکوفایی و ترویج آیین بودا در آن سوی مرزهای سغد شدند. بدین‌سان نگاهی به مهاجرنشین‌های سغدی خواهیم انداخت تا کارآمدی‌شان را در این باره بیابیم. آنگاه، بر پایه شرح حال راهبان سغدی، خواهیم دید که اینان چگونه ایفای نقش کرده‌اند. در پایان، نگاهی خواهیم انداخت به مسیری که دست‌نوشته‌های سغدی بودایی برای نگاشته‌شدن پیموده‌اند.

## ۱. پیشینه پژوهش

بارزش‌ترین پژوهش‌ها را، که با نوشتار حاضر در پیوندند، می‌توان در فرنام‌های (عنوان‌های) زیر خلاصه کرد: پژوهشی از رونالد ایمریک که آگاهی‌های ارزشمندی درباره آیین بودا میان مردمان ایرانی فراهم می‌کند. او با توجه به واژه‌های بودایی به‌کاررفته در متون پارسی مانوی این‌گونه استدلال می‌کند که احتمالاً مانویت و آیین بودا از قرن سوم تا هشتم، هر دو در کنار هم در بلخ و پارت شکوفا شده‌اند (Emmerick, 1983). ترمبلی نیز آیین بودا را در میان ایرانیان (یعنی پارتیان، بلخیان، کوشانیان، و سغدیان)، تُخاریان، همچون پارتیان، بلخیان، کوشانیان، سغدیان، تُخاریان، و ترک‌های قبل از قرن سیزدهم بررسی کرده است. او در این پژوهش نشان می‌دهد که سغدی‌ها چگونه پس از مهاجرتشان به مناطقی که آیین بودا در آنجا رونق گرفته بود، این آیین را پذیرفتند؛ و به‌درستی استدلال می‌کند که آیین بودا در سغد هرگز شکوفا نشد (Tremblay, 2007). یوشیدا نیز در مقاله‌ای کوشش‌های سغدیان بودایی در این راه بررسی کرده است. وی نخست نگاهی به چند راهب سغدی پرآوازه و آثارشان دارد و سپس متونی را بررسی می‌کند که سغدیان ترجمه کرده‌اند (Yoshida, 2013). والتر نیز پژوهشی در باب سغدیان و آیین بودا انجام داده است. او با تکیه بر منابع چینی و سغدی به‌خوبی به ویژگی‌های آیین بودای سغدی می‌پردازد. شرح حال راهبان بودایی سغدی به همراه روایات و افسانه‌هایشان پاره‌های مهم از این پژوهش‌اند و نیز بررسی ماهیت متون بودایی که سغدیان منتقل کرده‌اند (Walter, 2006).

## ۲. ورود آیین بودا به سغد

اگرچه مدارکی دالّ بر وجود آیین بودا در دوره حکومت کوشانیان (از سده یکم پیش از میلاد تا سده پنجم میلادی) در خود سغد نیست، گمان می‌رود این آیین در دوران همین پادشاهی و از راه بلخ به سرزمین سغد رسیده باشد (نک.: قریب، ۱۳۷۶: ۲۵۱). در آن زمان بلخ شاخه مهیانه آیین بودا را پذیرفته و آن را در تمام مهاجرنشین‌های جاده ابریشم تا چین گسترش داده بود. زائر چینی هوان‌تسیانگ (Hiuen-Tsiang؛ ۶۰۲-۶۶۴) که از شمال به جنوب سفر می‌کرد به حضور پررنگ بوداییان در بلخ اشاره می‌کند، چنان‌که در این زمان سه هزار راهب و صد راهبه داشته است (Trans. Beal, 1884: 44; Da Tang)

Xiyu ji, p. 12, col. 4). بازرگانان سغدی به همراه تاجران بلخی نقش مهمی در تجارت در مسیر جنوبی جاده ابریشم داشته‌اند. بی تردید این مسیر تجاری در انتشار آیین بودا نقش بسیار مهمی ایفا کرده است.

با اینکه سرزمین سغد در همکنش (عامل) و برهمکنش (تقابل) با سه کیش مسیحیت، مانویت و آیین بودا بود، هیچ دست‌نوشته‌ای از مسیحیت و مانویت نیز در سرزمین اصلی سغد یافت نشده است. بیشتر منابع نوشتاری سغدی در حوزه تاریخ، که واحه‌ای بیرون از سرزمین سغد اما با مهاجرنشین‌های غالباً سغدی بود، پیدا شده است. شاید وفاداری سغدیان به دین بومی خود و شاید هم عوامل سیاسی مانع شکوفایی این مذاهب جهانی در سغد بوده است. در حقیقت، سغدی‌های بودایی هرگز نتوانستند پشتیبانی و حمایت دولتی را برای برگرداندن و رونگاشت دست‌نوشته‌ها به دست آورند (Yoshida, 2015: 169)؛ شاید از آن‌رو که در سغد هیچ‌گاه حکومت مرکزی پدید نیامده بود. بنا بر گزارش هوی‌چائو (Hui-ch'ao)، مردم سرزمین سغد بر کیش زرتشتی‌اند و از آیین بودا چیزی نمی‌دانند (Wang wu T'ien-chu. Taishō vol. 51, no. 2089-1, 978b). بنابراین، طبیعی بود سغدیانی که به کیش‌های دیگر می‌گرویدند، برای ترویج آیین جدیدشان در سرزمین‌های همجوار سغد ساکن شوند. این نکته احتمالاً پاسخی است به این پرسش که: چرا بیشتر دست‌نوشته‌های سغدی در تورفان و دون‌هوانگ، یعنی خارج از سرزمین سغد، کشف شده است؟

بنا بر اسناد چینی، پیام‌آورانی از سرزمین کانگ‌کو (K'ng-kuo) که در واقع همان سمرقند بود، برای ترویج آیین بودا به چین می‌رفتند. تاریخ تانگ‌شو (T'ang Shu؛ ۱۰۶۰ م.) می‌گوید مردم کانگ‌کو اگرچه به آموزه‌های بودا احترام می‌گذارند، ایزدان زرتشتی را نیز می‌پرستند (Walter, 2006: 33). اگر همه آیین‌مدارانی را که در منابع چینی با نام خانوادگی «کانگ» شناخته می‌شوند اهل سغد بدانیم، سغدی‌های بودایی مذهب باید به‌راستی در قرن دوم میلادی در چین نفوذ کرده باشند (Ibid.: 6).

باری، واژه‌های بودایی به‌کاررفته در متون سغدی مانوی احتمالاً به معنای ورود آیین بودا در سرزمین سغد است (Asmussen, 1965: 136-147). با این حال، هوئی‌لی (Hui-li؛ ۶۰۲-۶۶۴)، زندگی‌نامه‌نویس هوان‌تسانگ، سیاح بودایی اهل چین، در گذرش به هند از دو پرستشگاه بودایی در سغد سخن می‌گوید که هیچ راهبی در آن زندگی نمی‌کرده است. بر

پایه گزارش وی، مردم سمرقند گروهی به آیین بودا نداشته و مناسک زرتشتی را به جای می‌آورده‌اند (Hui-li, 1959: 46). در این سرگذشت‌نامه گفته شده که مردم بومی سمرقند، که احتمالاً زرتشتی بوده‌اند، پیروان ادیان دیگر را که به آتشگاه‌ها می‌آمدند با آتش فراری می‌داده‌اند (Ibid.: 46). یکی از بوداییان کره‌ای که چند دهه بعد از آنجا گذشته است رهروی بودایی را دیده که در دیری تنها زندگی می‌کرده است (Emmerick, 1983: 960). گویا در قرن هفتم دیگر نشانه‌ای از آیین بودای نخستین (قرن دوم) در سغد نبوده و کیش مزدیسنی دین رایج بیشتر مردم بوده است.

اگرچه ساکنان بومی سغد در برابر آیین بودا و راهبان‌ش خصمانه رفتار می‌کردند اما تأثیر و نفوذ هنر و ادبیات هندی را بر نگاره‌های دینی نمی‌توان نادیده انگاشت. نگاره‌های ایزدان سغدی با ویژگی‌های هندی گواهی بر این ادعا است. به هر روی، سرزمین سغد گرچه از دید سیاسی در برابر قدرت‌های بیگانه هرگز قدرتمند نبود، از نگاه فرهنگی در ماوراءالنهر همواره پیشتاز بوده است.

### ۳. مهاجرنشین‌های سغدی

مردمان سغد در درازنای تاریخ پرفراز و نشیب‌شان با انگیزه‌های گوناگون، از جمله جنگ یا تجارت، سرزمینشان را ترک کرده‌اند. از این‌رو، مهاجرنشین‌های سغدی به شکل گسترده و پراکنده در سراسر آسیای مرکزی شکل گرفت. شماری از آنها مانند دون‌هوانگ، لوپ‌نور (Lop Nor)، هامی (Hami)، چنگ‌آن / چانگ‌آن (Ch'ang-an) و لیانگ‌چو (Liang-Chu)، در مسیر شمالی جاده ابریشم، یا زیر نفوذ دولت چین بودند یا از پشتیبانی قبایل چادرنشین ترک و مغول برخوردار بودند (Walter, 2006: 15). تاریخ دقیق شکل‌گیری نخستین مهاجرنشین‌ها روشن نیست. با این حال، یافته‌های دون‌هوانگ وجود برخی مهاجرنشین‌ها را در ابتدای سده چهارم تأیید می‌کند. مهاجرنشین‌های سغدی نقش مهمی در هموارکردن و آسان‌کردن و تسهیل تجارت میان چین و غرب ایفا می‌کردند.

نقوش حک‌شده و نوشته‌های روی مقبره‌های باستانی که در دون‌هوانگ (قرن ۶ تا ۱۰) کشف شده، نشان می‌دهد که مهاجرنشین‌ها نه فقط سغدی، بلکه از دیگر اقوام آسیای مرکزی نیز بوده‌اند. سغدی‌ان افزون بر دانش و مهارتشان در زمینه تجارت و موسیقی و هنر، دین خود را نیز به تورفان آوردند و نفوذی ژرف بر چهره دینی و سیاسی

چین گذاشتند. گمان می‌رود سغدی‌ها پس از سکونتشان در تورفان بود که کم‌کم به آیین بودا گرویدند. در مقایسه با سرزمین سغد، سغدی‌ها در مهاجرنشین‌های چندملیتی‌شان از آزادی بیشتری برای حفظ باورهای خویش و ترویج آنها بهره‌مند بودند.

کشف نامه‌های باستانی به خط و زبان سغدی در خرابه‌های دیده‌بانی در نزدیکی دون‌هوانگ و نگاره‌های حک‌شده روی مقبره‌های سغدی حاکی از وجود گونه‌ای دین زرتشتی میان مهاجران سغدی است.<sup>۲</sup> بر اساس سندی چینی، آتشگاهی که در شرق قوچو / خوچو (Khocho, Qocho) واقع بوده و چینیان آن را گائوچانگ (Gaochang) می‌نامیدند، از آن خدای زرتشتی است (Ibid.: 151). گمان می‌رود در این مناطق مانویان، زرتشتیان، مسیحیان و بوداییان در همزیستی به سر می‌برده‌اند. پلپو بر پایه متن جغرافیایی تانگ که در دون‌هوانگ یافت شده، استدلال می‌کند که مهاجرنشینی سغدی در جنوب لوپ‌نور وجود داشته که نقش مهمی در گسترش آیین بودا و مسیحیت نستوری داشته است (Pelliot, 1916: 111-123).

ایکیدا پژوهشگر ژاپنی نشان می‌دهد که پس از اشغال دون‌هوانگ به دست تبتی‌ها و ضعف سلسله تانگ (Tang) از یک سو و حمله اعراب مسلمان به آسیای مرکزی از سوی دیگر، چگونه مهاجرنشین‌ها نیز به آهستگی اهمیت‌شان را در مقام محل استقرار کاروان‌های تجاری از دست داده و در پی آن در میانه سده نهم میلادی به طور کلی ناپدید شده‌اند (Ikeda, 1965: 87). مدارک نشان می‌دهد که در اواخر قرن دهم برخی دین‌پرستان (راهبان) دون‌پایه در پرستشگاه‌های بودایی در دون‌هوانگ، سغدی بوده‌اند (Ibid.: 89).

#### ۴. راهبان بودایی سغدی

سغدی‌ها نخستین روایی‌دهندگان بودایی‌گری در چین طی قرن‌های سوم و چهارم میلادی بودند. در دوره سلسله هان (Han؛ ۲۰۶ پ.م. - ۲۲۰ م.) آیین بودا به همت راهبانی در چین رواج پیدا کرد که ما آنها را با نام‌های «کانگ» (Kang) و «آن» (An) می‌شناسیم.<sup>۳</sup> این برنام‌ها (لقب‌ها) که چینی‌ها بر پایه نام سرزمین و اصل و نسب‌شان به آنها داده بودند<sup>۴</sup> در اسناد چینی سال‌های ۵۱۰ و ۵۱۹ میلادی بازتاب پیدا کرده است (Ch'u san-tsang chi-chi, vol. 13, Taishō vol. 55, no. 2145, 96c, 96b, 97a. Kao-seng chuan, vol. 1, Taishō vol. 50, no. 2059, 325,

326a, 326b, Kao-seng chuan). نام خانوادگی «کانگ» به کسانی اشاره داشت که از کانگ (Kang؛ سمرقند) آمده بودند و «آن»، که فرم چینی نام شاهزاده‌ای اشکانی و مهاجر به چین در قرن دوم بود، بر بخارا دلالت داشت (Yoshida, 2006). این راهبان از تبار سغدیان یا سغدی‌شدگانی بودند که برای تجارت یا به دلیل تبعید به چین آمده بودند و پس از گروش تدریجی به آیین بودا خود را در مقام مترجمان متون چینی بودایی به جامعه چین شناساندند. آنها در سنجش با بوداییان هندی پیشتاز بوده‌اند.

در زندگی‌نامه راهبی بودایی به نام کانگ سنگ‌هوی (K'ang Seng-hui؛ ۲۲۲-۲۸۰) آمده است که پدرش تاجری اهل کانگ‌چو (K'ng-Chü) بوده اما خودش در چیاوچو (Chiao Chou؛ شهری در ویتنام امروزی) به دنیا آمده است (Walter, 2006: 23). آنها پیش از مهاجرت در هند زندگی می‌کرده‌اند. این سخن نشان می‌دهد که در قرن دوم میلادی تاجران سغدی نه فقط در چین، بلکه در هند نیز سکونت داشته‌اند. او در زمان حکومت ملکه وُو زیتان (Wu Zetian؛ ۶۸۴-۷۰۴) آیین بودا را در جنوب چین رواج داد (Ibid.: 23). گفته شده که کانگ سنگ‌هوی چهارده سوترهٔ مختلف را در بیست‌ونه دفتر از زبان هندی به چینی ترجمه کرده بود (Ibid.: 24). خواندن آوازهای بودایی به سنسکریت نشانهٔ تسلط او بر این زبان است. وی با پشتیبانی فرمانروایی به نام سون چائون (Sun ch'aün؛ ۲۲۲-۲۵۲) و برانگیختنش به آیین بودا توانست نخستین معبد بودایی را در قرن سوم میلادی در جنوب چین بسازد. دیگر راهب بودایی از همین خاندان سغدی و اهل چنگ‌آن به نام کانگ سنگ‌یوان (Kao-seng chuan, vol. 4, Taishō vol. 50, no. 2059, 346c, 347a) سوتره‌ها را از بر می‌خوانده و به زبان چینی تسلط داشته است. کانگ‌چو (K'ang-Chü؛ ۱۸۷-۱۹۹) و منگ‌هسیانگ (Meng-hsiang؛ ۱۹۰-۲۲۰) نیز از جمله مترجمان سغدی بودند که در انتقال متون بودایی به سغدی در قرن دوم و سوم سهم بسزایی داشتند (Walter, 2006: 30). بنا بر آنچه کائوسنگ چوان (Kao-seng chuan) نوشته، سغدی دیگری به نام کانگ فالانگ (K'ang Fa-lang, Kao-seng chuan, vol. 4, Taishō vol. 50, no. 2059, 347a, 347b) در جوانی به آیین بودا گروید و آنگاه به همراه شاگردانش در آرزوی دیدن مکان تولد بودا به هند سفر کرد. او سوتره‌ها و تفاسیر بسیاری را خواند و در پایان به شهرش بازگشت. شی هِدان (Shi Hedan) که کاتبی سغدی تبار و در سال ۶۲۶ م. مترجم رده‌بالای دبیرخانهٔ سلطنتی چین بود، در اصل افسری نظامی بود که به دلیل توانایی و مهارتش در ترجمه



توانست به دبیرخانه سلطنتی راه یابد (Luo Feng, 2001: 239). شِن هوی (Shen Hui؛ ۷۲۰-۷۹۴)، که نوه یکی از سغدیان اهل تاشکند بود و شرح حال کوتاهش در جلد نهم سوئنگ گائو سَنگِ جوان (Song gao seng zhuan) <sup>۵</sup> آمده، راهبی از چان (Chan؛ سنسکریت؛ Dhyāna) بوده است (Yoshida, 2013: 156).<sup>۶</sup>

باری، اوج کوشش سغدی‌ها در ترویج آیین بودا اگرچه در قرن‌های سوم و چهارم بود، تا سده‌های هفتم و هشتم میلادی نیز ادامه یافت؛ با این اشاره که در این زمان دیگر از سرعت و عمقش کاسته شده بود. حتی در قرن هشتم، برخی از سغدی‌ها، همچون چی (Chi؛ ۶۳۲-۶۸۲)، که اجداد پدری‌اش اهل سمرقند بودند و خود از جمله مریدان معروف هسوان‌تسانگ (Hsüan-tsang) بود، و فاتسانگ (Fa-tsang؛ ۶۴۳-۷۱۲)، که از طرف مادر سغدی و از سوی پدر هندی و یکی از فرزندان نامدار بودایی بود، توانستند در مدارس بودایی به بالاترین رده استادی دست یازند. این نکته نشان از جایگاه سغدیان در جامعه بودایی آن روزگاران دارد. فاتسانگ در سال ۶۹۵ تفسیری مفصل بر نسخه چینی بودا وتمسکه (Buddhāvataṃsaka) نوشت (Ibid.: 157). پوکائونگ (Pu-k'ung؛ ۷۰۵-۷۷۴)، که از مادری سغدی و پدری هندی بود، آیین بودای تتریک (Tantric Buddhism) را معرفی کرد. او به هند رفت و پانصد سوتره تتریک را ترجمه کرد و با پشتیبانی شاهنشاهی تانگ توانست جایگاه آیین بودا را در جنوب چین نیرومند کند.

## فرجام سخن

چنان‌که پژوهش حاضر نشان می‌دهد، هیچ شاهد و مدرکی دال بر حضور آیین بودا در سرزمین اصلی سغد وجود ندارد. با این حال، گزارش‌های منابع چینی از یک سو و یافته‌های باستان‌شناسی (هرچند اندک) از سوی دیگر، نشان می‌دهد که آیین بودا در سغد سده دوم میلادی پیروانی داشته و تا قرن پنجم دوام آورده است؛ اندیشه‌ای که دیگر در سغد قرن هفتم ناپدید شده است.

با شکل‌گیری مهاجرنشین‌های سغدی در فراسوی مرزهای سغد و در امتداد شمالی جاده ابریشم سغدی‌های بودایی به دور از محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی آزادی بیشتری برای رواج آیین خویش به دست آوردند. در این مهاجرنشین‌ها زرتشتیان، مانویان، مسیحیان و پیروان ادیان دیگر نیز می‌زیسته‌اند. وجود چهره‌ها و مفاهیم ایرانی در

آیین بودا (مکتب مهاییانه) گواهی بر این همزیستی مسالمت‌آمیز است. سازش و نرمش دینی به همراه چیرگی در تجارت ویژگی‌هایی است که سغدیان را از دیگر اقوام آسیای مرکزی متمایز می‌کند. افزون بر این، مسیرهای تجاری که مهاجرنشین‌ها در آن مستقر بودند در گسترش آیین بودا و دیگر کیش‌ها نقش بنیادین داشته است؛ این دین‌ها همواره با بازرگانان و کالاهایشان در این مسیرهای تجاری در آمد و شد بوده‌اند. آیین بودا از هند و به همت مردمی که بیشترشان پس‌زمینه ایرانی داشتند، همچون سغدی‌ها و پارت‌ها، وارد چین شد و به آرامی گسترش یافت.

بیشتر راهبانی که دست‌نوشته‌های بودایی را از سنسکریت به چینی ترجمه کرده‌اند از خانواده‌های سغدی و تاجرپیشه بوده‌اند که از سرزمین اصلی سغد نیامده بودند: برخی از آنها پیش از مهاجرت به چین در هند سکونت داشتند و به زبان سنسکریت مسلط بودند. آنها در آغاز به انگیزه تجارت به چین رفتند و پس از گراییدن به آیین بودا به پشتوانه ثروت و دانش خویش به مترجمانی چیره‌دست تبدیل شدند.

سده‌های هفتم تا یازدهم میلادی اوج فعالیت‌های تجاری بازرگانان سغدی در مسیر جنوبی جاده ابریشم و هم‌زمان با اوج کوشش‌های راهبان سغدی بودایی در جنوب چین است. آنها با پشتیبانی شاهان و اشراف‌زادگان چینی آرمان‌های دینی خود را پیش بردند و توانستند در ترویج آیین بودا از همتایان هندی‌شان پیشی بگیرند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در اینجا، سپاس‌های بیکرانم را تقدیم دکتر محمد شکری فومشی می‌کنم که سراسر این پژوهش را به دقت خواندند و به نکات مهمی اشاره کردند. نیز عمیق‌ترین قدرشناسی‌هایم را تقدیم پروفیسور مارک دیکنز و نسترن صدیقی می‌کنم که برای در اختیار گذاشتن بن‌مایه‌های این پژوهش یاوران بزرگ من بودند.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره مقبره‌ها نک: Rong, 2001.

۳. اگرچه در پارتهی تباربودن این راهبان قطعیتی نیست، گمان می‌رود پارتهی‌ها نیز همچون سغدیان در ترویج آیین بودا در چین نقش داشته‌اند. یکی از اینان، آن‌شی‌کائو (An-shih-ka) است که گفته شده شاهزاده اشکانی بوده که در میانه سده دوم وارد لویانگ (Lo-Yang)، پایتخت چین، شد و به واسطه مهارت و تسلطش بر زبان چینی و فنون ترجمه توانست خدمات مهمی در ترویج آیین بودا عرضه کند.

دیگری، آن‌شوان (An Xuan) تاجر سغدی است که در سال ۱۸۱ به لویانگ رسید و سپس راهب شد. برای آگاهی بیشتر درباره مبلغان بودایی پارسی با نام خانوادگی «آن» نک: Compareti, 2007: 80. Tremblay, 2007: 80.

۴. برای آگاهی بیشتر درباره نام‌های سغدی در منابع چینی نک: Yoshida, 2006.

۵. شرح حال راهبان برجسته بودایی سلسله سونگ است که در سال ۹۸۸ راهب و تاریخ‌دان مشهور زان نینگ (Zan Ning zhuan; ۹۱۹-۱۰۰۱) گردآوری کرد.

۶. «دهیانه» به معنای مراقبه، مدرسه‌ای در چین وابسته به مکتب مه‌ایانه آیین بودا بوده است که از قرن ششم به بعد، به‌ویژه در دوره سلسله‌های تانگ و سونگ، گسترش یافت.

## منابع

- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۶). «سغدی‌ها و جاده ابریشم»، در: *ایران‌شناسی*، ش ۵، ص ۲۴۷-۲۸۱.
- Asmussen, J. P. (1965). *X'āstvānīft. Studies in Manichaeism*, Copenhagen: Munksgaard [Acta Theologica Danica 7].
- Beal, S. (tr. and ed.) (1884). "Si-Yu-Ki: Buddhist Records of the Western World. Translated from the Chinese of Hiuen Tsiang", AD 629, London: Trübner, pp. 43-45.
- Compareti, M. (2007). "Buddhist Activity in Pre-Islamic Persia According to Literary Sources and Archaeology", in: *Transoxiana*, 12, available under [http://www.transoxiana.com.ar/12/compareti\\_iranian\\_buddhism.php](http://www.transoxiana.com.ar/12/compareti_iranian_buddhism.php).
- de La Vallée Poussin, L.; Gauthiot, R. (1912). "Fragment final de la Nilakanthadharani en brahmi et en transcription sogdienne", in: *JRAS*, London, pp. 629-45.
- Emmerick, R. E. (1983). "Buddhism among Iranian Peoples," in: *The Cambridge History of Iran*, vol. 3 (2), ed. by Ehsan Yarshater, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 949-964.
- Hui-li. (1959). "*The Life of Hsuan tsang*", trs., Yung-hsi Li, Peking: The Chinese Buddhist Association, 46 p.
- Ikedo, O. (1965). "A Sogdian Colony at Tun-huang in the Mid-Eight Century", in: *Studies in Eurasian Culture I*, pp. 49-92.
- Luo Feng (2001). "Sogdians in Northwest China", in: Annette L. Juliano and Judith A.

- Lerner (eds.), *Monks and Merchants*, New York: Harry N. Abrams with the Asia Society, pp. 238-269.
- Pelliot, Paul (1916). “‘Le Cha-tcheou-tou-fou-t’ou-king’ et la colonie sogdienne de la region du Lob Nor”, In: *JA* 11 serie 7, pp. 111–123.
- Rong, X. (2001). “New Light on Sogdian Colonies along the Silk Road Recent Archaeological Finds in Northern China”, Lecture at the *BBAW* on 20<sup>th</sup> September 2001, available under <https://edoc.bbaw.de>
- Tremblay, X. (2007). “The Spread of Buddhism in Serindia: Buddhism among Iranians, Tocharians and Turks before the 13th Century”, in: A. Heirman & S. P. Bumbacher, (eds.), *The Spread of Buddhism*, Leiden & Boston, pp. 75-129.
- Walter, M. N. (2006). “Sogdians and Buddhism”, *Sino-Platonic Papers* 174, Kasım, pp. 1-63.
- Yoshida, Y. (2006). “Personal Names, Sogdian i: In Chinese Sources”, in: *Encyclopedia Iranica*, online edition: <http://www.iranicaonline.org/articles/personal-names-sogdian-1-in-chinese-sources>.
- Yoshida, Y. (2013). “Chinese Sogdian Buddhists and the Texts Produced by Them”, in: M. Maggi (ed.), *Buddhism among the Iranian Peoples of Central Asia*, Vienna, pp. 155-179.
- Yoshida, Y. (2015). “A Handlist of Buddhist Sogdian Texts”, in: *Memoirs of the Faculty of Letters, Kyoto University* 54/3, pp. 167–180.

## References

- Asmussen, J. P. 1965. *X<sup>th</sup> āstvānīft. Studies in Manichaeism*, Copenhagen: Munksgaard [Acta Theologica Danica 7].
- Beal, S. 1884. "Si-Yu-Ki: Buddhist Records of the Western World. Translated from the Chinese of Hiuen Tsiang", AD 629, London: Trübner, pp. 43-45.
- Compareti, M. 2007. "Buddhist Activity in Pre-Islamic Persia According to Literary Sources and Archaeology". In: *Transoxiana*, 12, available under [http://www.transoxiana.com.ar/12/compareti\\_iranian\\_buddhism.php](http://www.transoxiana.com.ar/12/compareti_iranian_buddhism.php).
- de La Vallée Poussin, L.; Gauthiot, R. 1912. "Fragment final de la Nilakanthadharani en brahmi et en transcription sogdienne". In: *JRAS*, London, pp. 629-45.
- Emmerick, R. E. 1983. "Buddhism among Iranian Peoples". In: *The Cambridge History of Iran*, vol. 3 (2), ed. by Ehsan Yarshater, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 949-964.
- Hui-li. 1959. "*The Life of Hsuan tsang*", trs., Yung-hsi Li, Peking: The Chinese Buddhist Association, p.46.
- Ikeda, O. 1965. "A Sogdian Colony at Tun-huang in the Mid-Eight Century". In: *Studies in Eurasian Culture I*, pp. 49-92.
- Luo Feng. 2001. "Sogdians in Northwest China". In: Annette L. Juliano and Judith A. Lerner (eds.), *Monks and Merchants*, New York: Harry N. Abrams with the Asia Society, pp. 238-269.
- Pelliot, Paul. 1916. "Le Cha-tcheou-tou-fou-t'ou-king' et la colonie sogdienne de la region du Lob Nor". In: *JA* 11 serie 7, pp. 111-123.
- Qarīb, Badr al-Zamān. 1997. "Sogdians and the Silk Road (Sughdī-hā wa Jāddi-yi Abrīsham)". In: *Recognition of Iran (Iranshinākht)*, no.5, pp.247-281. [in Farsi]
- Rong, X. 2001. "New Light on Sogdian Colonies along the Silk Road Recent Archaeological Finds in Northern China", Lecture at the *BBAW* on 20<sup>th</sup> September 2001, available under <https://edoc.bbaw.de>.
- Tremblay, X. 2007. "The Spread of Buddhism in Serindia: Buddhism among Iranians, Tocharians and Turks before the 13th Century". In: A. Heirman & S. P.

- Bumbacher, (eds.), *The Spread of Buddhism*, Leiden & Boston, pp. 75-129.
- Walter, M. N. 2006. "Sogdians and Buddhism", *Sino-Platonic Papers* 174, Kasim, pp. 1-63.
- Yoshida, Y. 2006. "Personal Names, Sogdian i: in Chinese Sources". In: *Encyclopedia Iranica*, online edition: <http://www.iranicaonline.org/articles/personal-names-sogdian-1-in-chinese-sources>.
- Yoshida, Y. 2013. "Chinese Sogdian Buddhists and the Texts Produced by Them". In: M. Maggi (ed.), *Buddhism among the Iranian Peoples of Central Asia*, Vienna, pp. 155-179.
- Yoshida, Y. 2015. "A Handlist of Buddhist Sogdian Texts". In: *Memoirs of the Faculty of Letters, Kyoto University* 54/3, pp. 167-180.